

## بررسی رابطه بهزیستی معنوی با پایستگی در اهداف بلندمدت و لذت از یادگیری

siminghannad1366@gmail.com

sirousalipour1334@gmail.com

سیمین زغبی قناد / دکتری روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز  
کیروس عالیپور / دانشیار روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز

دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۲۷ - پذیرش: ۱۳۹۵/۰۶/۰۷

### چکیده

هدف این پژوهش، بررسی ارتباط بهزیستی معنوی با پایستگی در اهداف بلندمدت (ثبات علائق و پایداری در تلاش) و لذت از یادگیری در دانشجویان دختر بود. بدین منظور، ۱۴۶ نفر از دانشجویان دختر خوابگاه دانشگاه شهید چمران اهواز، به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. سپس، پرسش‌نامه‌های بهزیستی معنوی، خرده‌مقیاس لذت یادگیری، مقیاس هیجان‌های پیشرفت پکران و مقیاس پایستگی را تکمیل کردند. داده‌های گردآوری شده با استفاده از روش‌های رگرسیون گام‌به‌گام و مدل‌یابی معادلات ساختاری تحلیل شدند. نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که از بین ابعاد بهزیستی معنوی، ارتباط با طبیعت و ارتباط با خود، مهم‌ترین پیش‌بین‌های لذت از یادگیری بودند و ارتباط با خود و ارتباط با دیگران، پایداری در تلاش را پیش‌بینی کردند. همچنین، لذت از یادگیری میانجی‌گر رابطه بهزیستی معنوی، با پایستگی در اهداف بلندمدت بود. بنابراین، یکی از آثار بهزیستی معنوی، پایداری در تلاش برای دستیابی به اهداف بلندمدت و تجربه هیجان لذت در حین فعالیت‌های یادگیری است که اهمیت آن را در زندگی تحصیلی و غیرتحصیلی دانشجویان نشان می‌دهد.

**کلیدواژه‌ها:** بهزیستی معنوی، پایستگی در اهداف بلندمدت، لذت از یادگیری.

## مقدمه

«معنویت» که برخی از آن با عنوان بهزیستی معنوی یاد می‌کنند (بالبونی (Balboni) و همکاران، ۲۰۰۷)، به معنای آگاهی از نیرویی ورای جنبه‌های مادی زندگی است که حس عمیقی از وحدت یا ارتباط با جهان را ایجاد می‌کند (مولر (Mueller) و همکاران، ۲۰۰۱). برخی نویسندگان، بهزیستی معنوی را دارای دو جنبه دانسته‌اند: بُعد عمودی، که شامل ارتباطات متافیزیکی است و بُعد افقی که شامل ارتباط با محیط و دیگران می‌شود. برخی مطالعات نشان می‌دهد که فقدان بهزیستی معنوی سایر ابعاد بایولوژیکی، روان‌شناختی و اجتماعی کارکرد صحیحی نخواهند داشت، یا به نهایت ظرفیتشان نخواهند رسید. بنابراین، به زندگی با کیفیت عالی نمی‌رسند (امیدواری، ۲۰۰۹). لو (Lou) (۲۰۱۵) برای مفهوم‌سازی بهزیستی معنوی، ابعدی‌شناسایی کرده است که شامل معنای زندگی، عاطفه معنوی، تعالی، همسازی رابطه، مقابله معنوی و عوامل زمینه‌ای هستند. همسازی ارتباط مفهومی، شامل ابعاد ارتباط با خود، خانواده، دیگران و مرگ است. مقصود اساسی از رابطه با خود، خودمراقبتی برای حفظ سلامت ذهنی و جسمی، مسئولیت‌پذیری بر اساس هنجارهای اخلاقی، و خودمدیریتی برای اطمینان از همسازی بین‌فردی است. در زمینه رابطه با دیگران، به عشق و مراقبت از دیگران اشاره شده است که دارای لذتی مضاعف می‌باشد. محتوای مفهومی بهزیستی معنوی در ارتباط با دیگران، شامل اهمیت تعاملات بین‌فردی در اجتماع (خارج از خانواده) است که ارزشمندی آن از طریق مشارکت و تعامل اجتماعی و تمایز ممکن بین دوستان با سایرین بازشناسی می‌شود. محتوای اصلی مورد اشاره در بُعد ارتباط با خانواده، داشتن یک خانواده کامل، لذت بردن از تعاملات هماهنگ با اعضای خانواده و داشتن یک خانواده حامی که حاکی از احترام و همدلی بین آنهاست. مفهوم «ارتباط با مرگ» نیز از دیدگاه لو (۲۰۱۵)، به انتظار از یک مرگ و سرنوشت خوب اشاره دارد. بنابراین، آنچه لو (۲۰۱۵) با عنوان همسازی ارتباط از آن بحث می‌کند، هماهنگ با بُعد افقی بهزیستی معنوی است که امیدواری (۲۰۰۹) نیز آن را معرفی کرده بود. اما چارچوبی که بهزیستی معنوی در این پژوهش بر اساس آن مورد تعریف و بررسی قرار می‌گیرد، مبتنی بر تعریف ائتلاف ملی بین مذاهب، در سالخوردگی (دهشیری و همکاران، ۱۳۹۲)، شامل چهار بُعد ارتباط با خود، خدا، دیگران و طبیعت می‌باشد.

مطالعات زیادی ادعا کرده‌اند که تجارب معنوی یا متعالی با بهزیستی روان‌شناختی مثبت هم در کودکان و هم در بزرگسالان مرتبط هستند. پژوهش‌های گذشته نشان داده‌اند، دانش‌آموزانی که اعتقادات متعالی به جای مادی دارند، در مورد دنیا کنجکاوترند، رو به تجربه بازترند، به طور هشیارانه‌ای برای دستیابی به اهداف در زندگی سرسخت هستند و کمتر نگرانند که دیگران در مورد آنها چه فکری می‌کنند. فردی با هوش معنوی بالا انعطاف‌پذیر، خودآگاه، دارای ظرفیتی برای الهام و شهود و دیدگاه کل‌نگر نسبت به جهان هستی است و در جست‌وجوی پاسخ برای پرسش‌های بنیادین زندگی و نقد سنت‌ها و آداب و رسوم می‌باشد (آرام، ۲۰۰۹).

پژوهش‌های متعددی در ایران انجام شده است که از آثار و پیامدهای بهزیستی معنوی در زندگی حکایت می‌کند. برای مثال، واحدی و نظری (۲۰۱۱)، برای طراحی الگویی برای پیش‌بینی رضایت از زندگی، به ارتباط مثبتی بین بهزیستی مذهبی و رضایت از زندگی دست یافتند. نادری و سجادیان (۱۳۹۰)، در یک پژوهش رابطه‌ای بر روی نمونه‌ای از دانشجویان نشان دادند که معنای معنوی با شادی ذهنی، رضایت از زندگی، شکوفایی روان‌شناختی، امید به آینده و هدفمندی در زندگی ارتباط مثبت و معنادار دارد. برجلی و همکاران (۱۳۹۱)، با پژوهش بر روی دانشجویان دختر و پسر نشان دادند که بین بهزیستی معنوی با رضایت از زندگی و پیشرفت تحصیلی ارتباط مثبت و معنادار وجود دارد. صدیقی/رفعی و همکاران (۱۳۹۳)، به پیش‌بینی‌پذیری میزان تاب‌آوری بر اساس هوش معنوی در دانشجویان پرداخت و نشان داد که بین هوش معنوی و میزان تاب‌آوری، ارتباط مثبتی وجود دارد. کریمی و ایمانی (۲۰۱۴)، به ارتباط بین بهزیستی معنوی و خودکارآمدی در معلمان دبیرستانی پرداختند و ارتباط مثبتی بین برخی ابعاد بهزیستی معنوی از جمله آگاهی متعالی و تولید معنای شخصی با خودکارآمدی یافتند.

معنویت، حداقل پنج کارکرد دارد که سازگاری مفید و مثبت با محیط را افزایش می‌دهد:

۱. قابلیت تعالی فیزیکی و مادی: به ظرفیت انسان برای ورود به سطوح نامتعارف و متعالی هشیاری و نیز فراتر رفتن از محدودیت‌های جسمانی و عادی اطلاق می‌شود.
۲. توانایی تجربه سطوح بالایی از آگاهی: آگاهی از یک حقیقت غایی که ایجاد احساس یگانگی و وحدت می‌کند، در آن همه مرزها ناپدید می‌شوند و همه چیز در یک کل واحد یکی می‌شود. افرادی که از هوش معنوی بالایی برخوردار هستند، می‌توانند وارد این سطح از آگاهی و یا سایر حالات برتر معنوی، مثل مراقبه و مکاشفه شوند.
۳. بررسی و پالایش تجربه‌های روزانه در ارتباط شخصی با احساس مذهبی و معنوی: تشخیص حضور الهی در فعالیت‌های عادی.
۴. به‌کارگیری منابع معنوی در حل مشکلات زندگی: افرادی که ذاتاً مذهبی هستند، راحت‌تر می‌توانند با استرس‌ها برخورد کنند. این افراد بیش از سایرین در بحران‌های روحی و مشکلات معنایی برای یادگرفتن می‌یابند و از طریق این مشکلات رشد می‌کنند.
۵. انجام اعمال پرهیزکارانه: رفتارهای درست و پسندیده‌ای مثل بخشش، سخاوت، انسانیت، شفقت و... که از گذشته تاکنون پسندیده انگاشته شده‌اند (ایمونز (Emmons)، ۲۰۰۰).

در مجموع، بنا بر آثار روان‌شناختی که بهزیستی معنوی در زندگی افراد دارد، این پژوهش به بررسی ارتباط بهزیستی معنوی با مفهومی نسبتاً جدید با عنوان پایستگی و لذت یادگیری می‌پردازد.

نقش تفاوت‌های فردی در مباحث آموزشی، به‌عنوان موضوعی شناخته شده در سطوح مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است. ویلیام جیمز (William James) در سال ۱۹۰۷، برنامه تحصیلی را تدوین کرد که مطابق آن، توجه روان‌شناسان را به دو مسئله اساسی جلب می‌کند: اول، شناسایی انواع توانایی‌های بشری. دوم، تنوع افراد در

چگونگی به‌کارگیری این توانایی‌ها. در حدود یک قرن‌ی که از ارائه ایدهٔ جیمز می‌گذرد، در پاسخ به نخستین پرسش پیشرفت قابل ملاحظه‌ای صورت گرفته است: ما اطلاعات بسیاری راجع به هوش یا توانایی ذهنی عمومی داریم. سازه‌ای که به طور رسمی و برای اولین بار توسط سر فرانسیس گالتون (Sir Francis Galton)، روان‌شناس معاصر جیمز مطرح شد. در این زمینه، مطالب زیادی راجع به ابعاد، ماهیت، ریشه‌ها و پیامدهای مفهوم هوش در مقایسه با سایر خصوصیات مربوط به تفاوت‌های فردی ثابت ارائه شده است. در مقابل، اطلاعات اندکی به‌دست آمده است که چرا بیشتر افراد، تنها بخش اندکی از دارایی‌ها و توانمندی‌های خود را به کار می‌گیرند و در مقابل افراد معدود و استثنایی، پای خود را فراتر از محدودیت‌های خویش قرار می‌دهند (داکورت (Duckworth) و همکاران، ۲۰۰۷).

داکورت و همکاران (۲۰۰۷)، در ارتباط با اینکه چرا برخی افراد بیش از سایر افراد هم‌هوش، به موفقیت و کامیابی دست می‌یابند، ابتدا به مجموعه‌ای از خصوصیات فردی از جمله خلاقیت، اشتیاق، هوش هیجانی، کاریزمای شخصیتی، اطمینان به نفس، ثبات هیجانی، جذابیت جسمانی، اشاره کرده‌اند. سپس، تصریح کرده‌اند که برخی خصوصیات مثل برون‌گرایی در برخی موقعیت‌ها، منجر به افزایش احتمال موفقیت شده (حرفه فروش) و در برخی موقعیت‌ها، بی‌ارتباط با پیشرفت و کامیابی هستند (نوشتن خلاق). یک ویژگی خاصی که آنها به‌عنوان عامل ثابت موفقیت در هر زمینه‌ای به آن اشاره کرده‌اند، پایستگی به‌معنای حفظ پایداری و اشتیاق برای اهداف طولانی مدت است. پایستگی، مستلزم فعالیت قاطعانه در برابر چالش‌ها و حفظ تلاش و علاقه علی‌رغم شکست‌ها، سختی‌ها و سراسیمگی‌ها در طول سال‌ها و در مسیر پیشرفت می‌باشد. افراد پایسته، به پیشرفت همچون رقابت ماراتون می‌نگرند. مزیت شخص در چنین رقابتی شامل استقامت اوست. درحالی‌که نشانه‌های ناامیدی و یا خستگی، برای سایر افراد نشانه‌ای برای قطع تلاش‌ها و تغییر مسیر است، برای افراد پایسته پایداری و ایستادگی در مسیر را به دنبال دارد. داکورت و همکاران (۲۰۰۷)، فرض کردند که پایستگی برای دستیابی به پیشرفت بالا ضروری است. آنها در مصاحبه‌هایی که با متخصصان در سرمایه‌گذاری بانکی، روزنامه‌نگاران، نقاشان، دانشگاهیان، پزشکان و حقوقدان‌ها صورت دادند، از خصوصیات افراد برجسته در حیطه‌های مذکور پرسش کردند؛ خصوصیات که افراد برتر در این زمینه‌ها را از سایرین متمایز می‌سازد، به پایستگی یا مترادف نزدیک آن؛ یعنی خوش‌طبعی (استعداد) دست یافتند. در حقیقت، بسیاری از این افراد، در ابتدا چندان باهوش و برجسته به نظر نمی‌رسیدند، اما تعهد فوق‌العاده‌ای نسبت به آرزوها و بلندپروازی‌های خود داشتند. در مقابل، همتایان بسیار باهوش افراد پایسته که فاقد چنین خصوصیتی بودند، تا رده‌های بالای قلمرو خود پیشرفت نکردند. حدود ۱۰۰ سال پیش از تحقیق بر روی مفهوم پایستگی، گالتون زندگی‌نامه عده‌ای از قضات برجسته، دولتمردان، دانشمندان، شاعران، موسیقی‌دان‌ها، نقاشان، کشتی‌گیران و... را جمع‌آوری کرد (داکورت و همکاران، ۲۰۰۷). وی نتیجه گرفت که توانایی به‌تهدایی عامل موفقیت در هیچ رشته‌ای نیست. وی به این باور رسید که افراد دارای پیشرفت بالا، دارای قابلیت انجام کار سخت همراه با جانفشانی و تعصب هستند. نتیجه‌گیری‌های مشابهی نیز توسط کاکس (Cox) (۱۹۲۶)، در تحلیل

زندگی‌نامه‌ای ۳۰۱ فرد خلاق و رهبر پژوهشی که توسط کاتل (Cattell) صورت گرفته بود، به دست آمده است که نشان می‌دهد هوش و رتبه‌بندی پیشرفت افراد تنها ارتباط متوسطی با هم دارند، همچنین، وی با رتبه‌بندی ۶۷ خصوصیت برجسته استخراج شده از بررسی وب به این نتیجه دست یافت که برخی ویژگی‌هایی که از کودکی با فرد همراه هستند، پیشرفت او در طول زندگی را معین می‌کنند: تداوم انگیزه و تلاش، اطمینان به توانایی‌ها و قدرت شخصیت (داکورت و همکاران، ۲۰۰۷). خصوصیت پایستگی با جنبه‌های پیشرفت‌گرای ویژگی شخصیتی وجدانی بودن همپوشی دارد، اما از لحاظ تأکید بر اهداف بلندمدت به جای اهداف کوتاه‌مدت متفاوت است. افراد پایسته، نه تنها تکالیف و وظایف خود را به اتمام می‌رسانند، بلکه هدف معین را برای سال‌ها دنبال می‌کنند.

پایستگی از جنبه خودکنترلی نیز با وجدانی بودن متفاوت است که مربوط به خصوصیت ثبات در اهداف و علایق می‌باشد. به طور کلی، پایستگی به عنوان مفهومی که توسط داکورت و همکاران (۲۰۰۷) تدوین شده است، دو جنبه دارد: پایداری تلاش و ثبات علایق. پایداری تلاش، به توانایی حفظ تلاش در مواجهه با سختی‌ها گفته می‌شود. منظور از «ثبات علایق» نیز این است که برخی افراد تلاش خود را نه به دلیل علاقه شخصی، بلکه ترس از تغییرات، سازگاری با انتظارات دیگران یا ناآگاهی از انتخاب‌های دیگر حفظ می‌کنند.

به عنوان مثال از مفهوم «پایستگی»، یادگیری دو کودک در نواختن پیانو را مورد نظر قرار می‌دهند. فرض می‌کنند که هر دو کودک از استعداد همسان در موسیقی برخوردار هستند. فرض دیگر این است که این کودکان، در قابلیت میزان تلاش نیز هم‌تا می‌شوند. سپس، کودکان از این نقطه شروع به آموزش موسیقی می‌پردازند. میزان تلاش نیز با درگیری متمرکز، توجه در زمان فعالیت توصیف می‌شود. از سوی دیگر، طول دوره و جهت تلاش، با تعداد ساعات صرف شده برای مطالعه موسیقی مورد سنجش قرار می‌گیرد. یافته‌ها نشان داد که کودکان هم‌تا، در استعداد و قابلیت تلاش، ممکن است در پایستگی متفاوت باشند. بنابراین، مشخص شد که رشد توانمندی موسیقی در کودک پایسته‌تر اتفاق می‌افتد (داکورت و همکاران، ۲۰۰۷). در شش مطالعه‌ای که توسط داکورت و همکاران (۲۰۰۷) صورت گرفت، مشخص شد که تفاوت‌های فردی در پایستگی، واریانس تجمعی معنادار و بالاتری از پیامدهای موفقیت نسبت به هوش را تبیین می‌کنند؛ اما ارتباط مثبتی را با آن نشان نداد. همچنین، واریانس بالاتری از موفقیت را در مقایسه با وجدانی بودن به حساب آورد. علاوه بر این، آنها در مطالعات خود دریافتند که افراد پایسته‌تر، به سطوح بالاتری از آموزش در مقایسه با افراد کمتر پایسته هم‌سن دست می‌یابند. افراد مسن‌تر، به نسبت جوان‌ترها پایستگی بیشتری داشتند که نشان می‌دهد کیفیت پایستگی در طول عمر فرد افزایش می‌یابد. افراد پایسته‌تر، تغییرات شغلی کمتر و میانگین نمرات بالاتری نیز نشان دادند.

متغیر دیگری که این پژوهش به بررسی ارتباط آن با بهزیستی معنوی می‌پردازد، «لذت یادگیری» است. لذت یادگیری به عنوان یکی از اشکال هیجان‌های تحصیلی در چارچوب نظریه کنترل - ارزش هیجان‌های پیشرفت،

تبیین می‌شود. این نظریه، عناصری را از رویکردهای انتظار - ارزش به مطالعه هیجان‌ها با نظریه‌های اسنادی انگیزش و هیجان‌های پیشرفت ترکیب کرده است (دتمرس (Detmers) و همکاران، ۲۰۱۱). بنابراین، نظریه کنترل - ارزش، هیجان‌های پیشرفت را می‌توان در دسته نظریه‌های شناختی هیجان قرار داد. فرض می‌شود که محیط یادگیری دو عنصر ارزیابی شناختی را تحت تأثیر قرار می‌دهد که برای ایجاد هیجان‌های پیشرفت اساسی هستند. عنصر نخست، کنترل ذهنی است که شامل شناخت‌های مرتبط با کنترل، مثل انتظارات خودکارآمدی، انتظارات مرتبط با پیشرفت و اسنادهای علی برونداها هستند. عنصر دوم، ارزش ذهنی است که شامل ارزش‌مندی ادراک‌شده از اعمال می‌شود. هیجان‌ها حاصل این دو عنصر هستند. برای مثال، اگر ارزش تکلیفی مثبت باشد و کنترل ادراک شده بالا باشد، دانش‌آموز از انجام تکلیف لذت می‌برد. همچنین، این نظریه کنترل ذهنی و ارزش ذهنی را به‌عنوان واسطه در رابطه بین ویژگی‌های محیط یادگیری (کیفیت آموزش) و تجربه هیجان معرفی می‌کند. پکران (Kramer) و همکاران (۲۰۰۴)، نوعی طبقه‌بندی از هیجان‌های پیشرفت ارائه داده‌اند. مطابق با طبقه‌بندی آنها، هیجان‌ها بر اساس چهار بُعد تقسیم‌بندی می‌شوند:

۱. ارزش، به این اشاره دارد که یک هیجان مطلوب است، یا نامطلوب (مثبت یا منفی)؛
۲. فعالیت، به این اشاره دارد که یک هیجان از برانگیختگی یا فعالیت روان‌شناختی جلوگیری می‌کند، یا آن را تسهیل می‌کند (فعال یا منفعل)؛
۳. تمرکز بر هدف، یعنی هیجانی که بروز می‌کند با آزمون، یادگیری یا فعالیت تکلیف - محور در ارتباط است (برای مثال، هیجان‌های مرتبط با فعالیت که به فرایند یادگیری یا یادگیری اشاره می‌کند)؛
۴. منبع زمانی، به این اشاره دارد که هیجان قبل، در حین و بعد از یک رویداد معین تجربه می‌شود یا نه؟ (گذشته‌نگر، آینده‌نگر و معطوف به زمان حال).

هیجان‌های بروندادی مورد انتظار، زمانی تجربه می‌شوند که به لحاظ ارزشی و در ارتباط با موفقیت و شکست مثبت ارزیابی شوند. اگر کنترل ادراک‌شده بالا و تمرکز بر موفقیت باشد، لذت و خوشی مورد انتظار تولید می‌شود. برای مثال، اگر دانش‌آموزی انتظار داشته باشد که تسلط کافی را برای امتحانی که در پیش رو دارد، کسب می‌کند، نمره خوبی را برای خود تصور خواهد کرد. همچنین، فرض می‌شود که هیجان‌های مرتبط با فعالیت‌های پیشرفت بر کنترل‌پذیری و ارزش آن مبتنی هستند. اگر فعالیت کنترل‌پذیر و به لحاظ ارزشی مثبت تلقی شود، هیجان لذت تجربه می‌شود. لذت از فعالیت‌های پیشرفت اشکال متفاوتی دارد. برای مثال، شغف ناشی از سر و کار داشتن با تکالیف چالش‌انگیز و یا حالات آرام‌تری که در زمان انجام فعالیت‌های روزمره لذت‌بخش تجربه می‌شود (گاتز و همکاران، ۲۰۰۷). بنابراین، بر اساس نظریه کنترل - ارزش، هیجان‌های پیشرفت، چنان‌چه فعالیت بسیار ارزشمند و کنترل‌پذیر تلقی شود، لذت ایجاد خواهد شد (گاتز و همکاران، ۲۰۰۷).

در مجموع، این پژوهش قصد دارد دو فرضیه کلی را مورد آزمون قرار دهد:

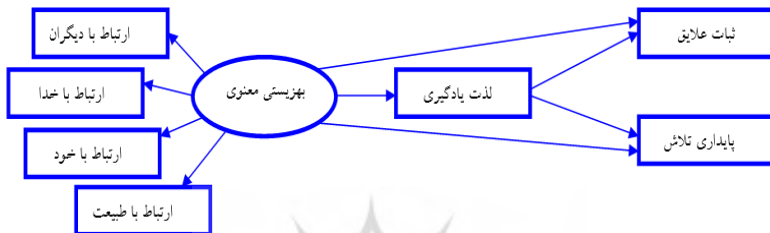
- بین ابعاد بهزیستی معنوی و لذت یادگیری ارتباط مثبت وجود دارد.

- بین ابعاد بهزیستی معنوی و پایستگی در اهداف بلندمدت ارتباط مثبت وجود دارد.

در این پژوهش، مهم‌ترین ابعاد بهزیستی معنوی در پیش‌بینی لذت یادگیری و پایستگی در اهداف بلندمدت (پایداری

تلاش و ثبات علایق) نیز بررسی می‌شوند. همچنین، تأثیر غیرمستقیم بهزیستی معنوی بر پایستگی در اهداف بلندمدت از

طریق لذت یادگیری در یک مدل تک میانجی که در نمودار ۱ قابل مشاهده است، مشخص می‌شود.



نمودار ۱. مدل رابطه بهزیستی معنوی با پایستگی در اهداف بلندمدت با میانجی‌گری لذت یادگیری

## روش پژوهش

طرح این پژوهش، از نوع طرح‌های توصیفی، همبستگی است و داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS ویراست ۲۱ و با روش‌های آمار توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) و آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون، ضریب همبستگی اسپیرمن، مدل‌یابی معادلات ساختاری و تحلیل رگرسیون چندمتغیری با روش گام‌به‌گام) تجزیه و تحلیل شدند. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان دختر ساکن در خوابگاه دخترانه حضرت معصومه شهید چمران اهواز بودند که تعداد ۱۴۶ نفر از آنها به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند، به‌گونه‌ای که بر اساس مقطع تحصیلی حدود ۵۳ درصد دانشجوی کارشناسی، ۲۷ درصد کارشناسی ارشد و ۱۸ درصد دانشجوی دکتری باشند. پس از گردآوری پرسش‌نامه‌ها، با کنار گذاشتن پرسش‌نامه‌های بدون پاسخ، نمونه شامل ۷۷ نفر دانشجوی کارشناسی، ۴۰ نفر دانشجوی کارشناسی ارشد و ۲۶ نفر مقطع دکتری و دانشجویان دامپزشکی و ۳ نفر نامشخص بودند. سپس، پرسش‌نامه‌های بهزیستی معنوی، خرده‌مقیاس لذت یادگیری، مقیاس هیجان‌های پیشرفت پکران و مقیاس پایستگی در اختیار آنان قرار گرفت.

پرسش‌نامه بهزیستی معنوی: پرسش‌نامه بهزیستی معنوی توسط دهسیری و همکاران (۱۳۹۲)، بر اساس مدل پیشنهادی انجمن ملی بین‌مذاهب (۱۹۷۵)، در بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران ساخته شده است که شامل ۴۰ سؤال و ۴ خرده‌مقیاس (ارتباط با خود، ارتباط با دیگران، ارتباط با خدا و ارتباط با طبیعت) می‌باشد. نمره‌گذاری آن با استفاده از مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای (۵ برای کاملاً موافقم تا ۱ برای کاملاً مخالفم) صورت می‌گیرد. هر یک از

خرده‌مقیاس‌ها، شامل ۱۰ ماده می‌باشد و در نهایت، با جمع‌بندی نمرات ماده‌ها بر اساس پاسخ آزمودنی‌ها نمره هر خرده‌مقیاس محاسبه می‌شود. در پژوهش ده‌شیرینی، ضرایب آلفای کرونباخ برای تعیین پایایی مقیاس و خرده‌مقیاس‌های آن (ارتباط با خدا، خود، طبیعت و دیگران) به ترتیب ۰/۹۴، ۰/۹۳، ۰/۹۲، ۰/۹۱ و ۰/۸۵ محاسبه شدند. همچنین، برای تعیین روایی مقیاس، از همبسته کردن آن با نمرات مقیاس بهزیستی معنوی، رضایت از زندگی و آزمون دینداری معبد استفاده شد. نتایج این همبستگی‌ها و تحلیل عامل اکتشافی و تأییدی صحت و روایی همگرا و واگرایی مقیاس را مورد تأیید قرار دادند. در این پژوهش، ضرایب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس و خرده‌مقیاس‌های ارتباط با خدا، خود، طبیعت و دیگران به ترتیب، ۰/۹۷، ۰/۹۵، ۰/۹۲، ۰/۹۵ و ۰/۹۳ به دست آمد که نمایانگر پایایی مناسب این مقیاس و خرده‌مقیاس‌های آن است. نتایج تحلیل عامل تأییدی نیز ساختار چهار عاملی و روایی آن را تأیید کرد و بار عاملی تمام ماده‌های مقیاس مناسب، معنادار و بالای ۰/۴۰ بودند.

**مقیاس پایستگی:** مقیاس پایستگی توسط *داک‌ورث* و همکاران (۲۰۰۷)، برای سنجش ویژگی پایستگی در اهداف بلندمدت در دو بُعد پایداری تلاش و ثبات علایق تدوین شده است. این مقیاس، از ۱۲ ماده (۶ ماده برای پایداری تلاش و ۶ ماده برای ثبات علایق) تشکیل شده است. ماده‌ها، با استفاده از یک طیف نمره‌گذاری ۵ درجه‌ای از ۱ برای «هرگز در مورد من درست نیست» تا ۵ برای «همواره این‌گونه هستم»، پاسخ داده می‌شوند. سازندگان، با انجام تحلیل عامل اکتشافی بر روی ماده‌های اولیه، ساختار دو عاملی مقیاس پایستگی را مشخص کردند و برای همه ۱۲ ماده بار عاملی مناسب و بالای ۰/۴ را محاسبه نمودند. همچنین، ضرایب آلفای کرونباخ برای سنجش پایایی و ثبات درونی مقیاس کلی و خرده‌مقیاس‌های پایداری تلاش و ثبات علایق را به ترتیب، ۰/۸۵، ۰/۷۸ و ۰/۸۴ گزارش دادند. این پژوهش، نتایج تحلیل عامل تأییدی ساختار دو عاملی مقیاس و بار عاملی مناسب و بالای ۰/۴۰ را برای همه ماده‌های مقیاس پایستگی تأیید کرد. همچنین، ضرایب آلفای کرونباخ برای مقیاس پایستگی و خرده‌مقیاس‌های پایداری تلاش و ثبات علایق به ترتیب، ۰/۶۳، ۰/۸۲ و ۰/۸۳ به دست آمدند.

**پرسش‌نامه هیجان‌های پیشرفت پکران:** *پکران* و همکاران پرسش‌نامه هیجان‌های پیشرفت را در سال ۲۰۰۲ تدوین کردند. این پرسش‌نامه، شامل ۳ بخش هیجان‌های کلاسی، یادگیری و امتحان و در هر یک از بخش‌ها، شامل ۸ خرده‌مقیاس لذت، امیدواری، غرور، خشم، اضطراب، شرم، ناامیدی و خستگی می‌باشد. در این پژوهش، تنها از هیجان لذت یادگیری این پرسش‌نامه استفاده شد که دارای ۱۰ ماده است. پاسخ‌دهندگان به این پرسش‌نامه، پاسخ‌های خود را بر روی یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای از ۱ برای کاملاً مخالفم تا ۵ برای کاملاً موافقم درجه‌بندی می‌کنند. ماده‌های ۱ تا ۱۰، متعلق به لذت هستند و حداقل و حداکثر نمره برای این خرده‌مقیاس، از ۵ تا ۵۰ می‌باشد. *پکران* و همکاران (۲۰۰۲)، روایی محتوایی پرسش‌نامه را با مراجعه به نظر برخی متخصصان و استادان تعلیم و تربیت و روان‌شناسی به دست آوردند. همچنین، در ایران کدیور و همکاران (۱۳۸۸)، این پرسش‌نامه را برای جامعه دانش‌آموزان ایرانی هنجاریابی کردند و از طریق به‌کارگیری روش تحلیل عامل تأییدی نشان دادند که ساختار پرسش‌نامه برآزش، قابل



قبولی با داده‌ها دارد. همچنین، در زمینه سنجش پایایی پرسش‌نامه هیجان‌های پیشرفت پکران و همکاران (۱۳۸۸)، همسو با نتایج پژوهش پکران (۲۰۰۲)، نشان دادند که پرسش‌نامهٔ هیجان‌های تحصیلی از ثبات درونی قابل قبولی برخوردار است و ضرایب آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌های آن بین ۰/۳۴ تا ۰/۸۶ است. در این پژوهش، پس از ترجمهٔ مقیاس فوق، برای تأیید ساختار عاملی آن، از شیوهٔ تحلیل عامل تأییدی استفاده شده است. نتایج تحلیل عامل تأییدی نشان داد که همهٔ ماده‌ها از بار عاملی کافی (بالای ۰/۳۰) برخوردار هستند. همچنین، ضریب آلفای کرونباخ برای لذت یادگیری ۰/۸۹ به دست آمد که نمایانگر پایایی مناسب آن می‌باشد.

### یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی که شامل تعداد، میانگین و انحراف معیار است، در جدول ۱ و ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش، در جدول ۲ گزارش شده‌اند.

جدول ۱. تعداد، میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

متغیرها	شاخص‌های توصیفی	تعداد	میانگین	انحراف معیار
پایستگی در اهداف بلندمدت	۱۴۶	۴۱/۶۲	۷/۴۴	
پایداری تلاش	۱۴۶	۲۱/۳۷	۴/۵۷	
ثبات علایق	۱۴۶	۱۵/۷۵	۴/۸۰	
لذت یادگیری	۱۴۶	۳۹/۰۳	۷/۱۲	
بهزیستی معنوی	۱۴۶	۱۶۵/۶۷	۲۳/۲۵	
ارتباط با خود	۱۴۶	۳۹/۰۹	۷/۴۲	
ارتباط با خدا	۱۴۶	۴۲/۹۱	۷/۶۳	
ارتباط با طبیعت	۱۴۶	۴۱/۵۲	۷/۱۲	
ارتباط با دیگران	۱۴۶	۴۲/۱۵	۶/۲۰	

جدول ۲. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
پایستگی	۱								
پایداری تلاش	۰/۵۸	۱							
ثبات علایق	۰/۶۳	۰/۲۶	۱						
لذت یادگیری	۰/۳۰	۰/۶۳	۰/۲۴	۱					
بهزیستی معنوی	۰/۳۸	۰/۵۸	-۰/۱۰	۰/۴۸	۱				
ارتباط با خود	۰/۴۶	۰/۶۳	-۰/۰۶	۰/۴۴	۰/۷۸	۱			
ارتباط با خدا	۰/۲۱	۰/۴۲	-۰/۱۴	۰/۳۹	۰/۷۹	۰/۴۸	۱		
ارتباط با دیگران	۰/۳۰	۰/۴۶	-۰/۰۹	۰/۳۵	۰/۸۷	۰/۵۶	۰/۵۶	۱	
ارتباط با طبیعت	۰/۲۹	۰/۳۹	-۰/۰۳	۰/۴۰	۰/۸۵	۰/۴۸	۰/۵۳	۰/۸۰	۱۱

ماتریس همبستگی در جدول ۲، روابط دو متغیری بین متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، تمام ضرایب همبستگی ارائه شده بجز روابط ابعاد بهزیستی معنوی (ارتباط با خدا، خود، طبیعت و دیگران) با ثبات علائق در سطح  $P < 0/01$  معنادار هستند.

داده‌های این پژوهش، با استفاده از تحلیل رگرسیون چندگانه با روش گام‌به‌گام، تجزیه و تحلیل شده‌اند که نتایج آن در جداول ۳، ۴ و ۵ ارائه شده است.

جدول ۳. ضرایب همبستگی چندگانه ابعاد بهزیستی معنوی با پایستگی با روش گام‌به‌گام

ضرایب رگرسیون (β) و (B)		نسبت F احتمال P	ضریب تعیین (RS)	همبستگی چندگانه (MR)	متغیرهای پیش‌بین
۲	۱				
-	$\beta = 0/42$ $B = 0/42$ $t = 5/54$ $P < 0/001$	$F = 30/64$ $P < 0/001$	0/18	0/42	ارتباط با خود
$\beta = 0/19$ $B = 0/18$ $t = 2/20$ $P < 0/03$	$\beta = 0/33$ $B = 0/33$ $t = 3/84$ $P < 0/001$	$F = 18/14$ $P < 0/001$	0/20	0/45	ارتباط با خدا

نتایج تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام، در جدول ۳ نشان می‌دهد که ضریب استاندارد رگرسیون (β) ابعاد بهزیستی معنوی در پیش‌بینی پایستگی، 0/45 می‌باشد. با توجه به ضریب همبستگی چندگانه، ابعاد بهزیستی معنوی 20 درصد از واریانس پایستگی را تبیین می‌کند.

جدول ۴. ضرایب همبستگی چندگانه ابعاد بهزیستی معنوی با پایداری تلاش با روش گام‌به‌گام

ضرایب رگرسیون (β) و (B)		نسبت F احتمال P	ضریب تعیین (RS)	همبستگی چندگانه (MR)	متغیرهای پیش‌بین
۲	۱				
-	$\beta = 0/63$ $B = 0/39$ $t = 9/61$ $P < 0/001$	$F = 92/38$ $P < 0/001$	0/39	0/63	ارتباط با خود
$\beta = 0/16$ $B = 0/12$ $t = 2/08$ $P < 0/04$	$\beta = 0/54$ $B = 0/33$ $t = 6/89$ $P < 0/001$	$F = 49/43$ $P < 0/001$	0/41	0/64	ارتباط با دیگران

نتایج تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام، در جدول ۴ نشان می‌دهد که ضریب استاندارد رگرسیون (β) ابعاد بهزیستی معنوی در پیش‌بینی پایداری تلاش، 0/64 می‌باشد. با توجه به ضریب همبستگی چندگانه، ابعاد بهزیستی معنوی، 41 درصد از واریانس پایداری تلاش را تبیین می‌کند.

جدول ۵. ضرایب همبستگی چندگانه ابعاد بهزیستی معنوی با لذت یادگیری با روش گام به گام

ضرایب رگرسیون (β) و (B)		نسبت F، احتمال P	ضریب تعیین (RS)	همبستگی چندگانه (MR)	متغیرهای پیش‌بین
۲	۱				
-	β=۰/۴۴ B=۰/۴۲ t=۵/۹۱ P<۰/۰۰۱	F=۳۴/۹۷ P<۰/۰۰۱	۰/۲۰	۰/۴۴	ارتباط با خود
β=۰/۳۴ B=۰/۳۴ t=۲/۹۲ P<۰/۰۰۴	β=۰/۳۳ B=۰/۳۱ t=۳/۹۱ P<۰/۰۰۱	F=۲۲/۶۴ P<۰/۰۰۱	۰/۲۴	۰/۴۹	ارتباط با طبیعت

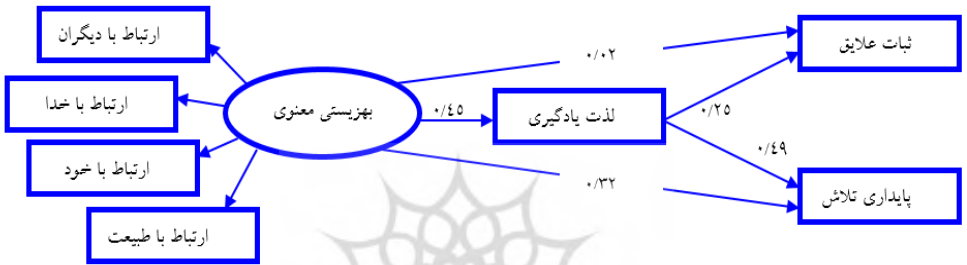
نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام، در جدول ۵ نشان می‌دهد که ضریب استاندارد رگرسیون (β) ابعاد بهزیستی معنوی در پیش‌بینی لذت یادگیری، ۰/۴۹ می‌باشد. با توجه به ضریب همبستگی چندگانه، ابعاد بهزیستی معنوی ۲۴ درصد از واریانس لذت یادگیری را تبیین می‌کند.

در این پژوهش برای بررسی روابط ابعاد بهزیستی معنوی با لذت یادگیری و پایداری در اهداف بلندمدت، در دانشجویان سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری، از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است که مورد استفاده آن در اینجا، به دلیل محدودیت حجم نمونه در طبقات متغیر مقطع تحصیلی (۷۷ نفر کارشناسی، ۴۰ نفر کارشناسی ارشد و ۲۶ نفر دکتری) می‌باشد. ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش به تفکیک مقطع تحصیلی در جدول ۶ قابل مشاهده است.

جدول ۶. ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش به تفکیک مقطع تحصیلی

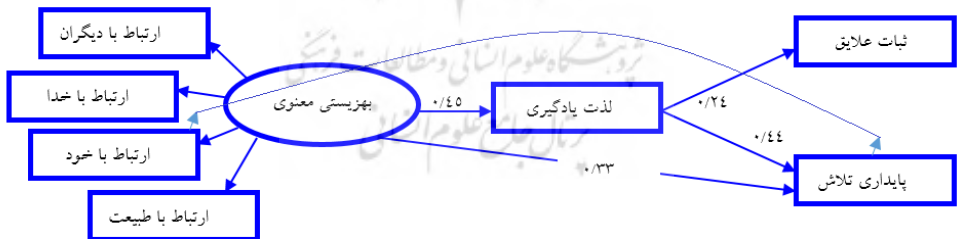
متغیر پیش‌بین	بهزیستی معنوی	مقطع کارشناسی		مقطع کارشناسی ارشد		مقطع دکتری	
		ضریب اسپیرمن	سطح معناداری	ضریب اسپیرمن	سطح معناداری	ضریب اسپیرمن	سطح معناداری
لذت از یادگیری	ارتباط با خدا	۰/۳۲	۰/۰۱	۰/۲۴	۰/۱۴	۰/۳۰	۰/۱۴
	ارتباط با خود	۰/۳۰	۰/۰۱	۰/۴۵	۰/۰۰	۰/۵۱	۰/۰۱
	ارتباط با طبیعت	۰/۲۱	۰/۰۷	۰/۴۵	۰/۰۰	۰/۳۸	۰/۰۶
	ارتباط با دیگران	۰/۱۲	۰/۳۰	۰/۴۸	۰/۰۰	۰/۱۹	۰/۳۵
پایداری تلاش	ارتباط با خدا	۰/۲۹	۰/۰۱	۰/۴۱	۰/۰۱	۰/۵۱	۰/۰۱
	ارتباط با خود	۰/۵۲	۰/۰۰	۰/۶۸	۰/۰۰	۰/۵۸	۰/۰۰
	ارتباط با طبیعت	۰/۱۴	۰/۲۱	۰/۵۸	۰/۰۰	۰/۳۰	۰/۱۴
	ارتباط با دیگران	۰/۱۲	۰/۲۹	۰/۶۴	۰/۰۰	۰/۴۲	۰/۰۳
ثبات علائق	ارتباط با خدا	-۰/۰۷	۰/۵۳	-۰/۱۴	۰/۴۰	۰/۳۹	۰/۰۵
	ارتباط با خود	۰/۰۳	۰/۸۰	-۰/۰۷	۰/۶۷	۰/۴۰	۰/۰۴
	ارتباط با طبیعت	-۰/۰۲	۰/۸۷	-۰/۱۳	۰/۴۴	۰/۳۹	۰/۰۵
	ارتباط با دیگران	-۰/۰۸	۰/۴۸	-۰/۱۲	۰/۴۶	۰/۵۲	۰/۰۵
پایداری	ارتباط با خدا	۰/۱۳	۰/۲۵	۰/۳۱	۰/۰۵	۰/۰۶	۰/۷۹
	ارتباط با خود	۰/۴۰	۰/۰۰	۰/۴۹	۰/۰۰	۰/۱۶	۰/۴۵
	ارتباط با طبیعت	۰/۰۹	۰/۴۶	۰/۳۶	۰/۰۲	-۰/۰۶	۰/۷۷
	ارتباط با دیگران	۰/۰۳	۰/۸۱	۰/۳۹	۰/۰۱	۰/۰۳	۰/۹۰

نتایج تحلیل همبستگی اسپیرمن، در جدول ۶ نشان می‌دهد که بیشترین تعداد ضریب همبستگی معنادار بین متغیرهای پژوهش در مقطع کارشناسی ارشد می‌باشد. همچنین، ابعاد بهزیستی معنوی با ثبات علایق تنها در مقطع دکتری رابطه معنادار نشان دادند. از سوی دیگر، تحلیل مدل روش مدلیابی معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار AMOS انجام شد. سپس، برای ارزیابی مدل پیشنهادی، ترکیبی از شاخص‌های برازندگی مثل مقدار مجذور کای ( $\chi^2$ )، شاخص هنجارشده مجذور کای ( $\chi^2/df$ )، شاخص نیکویی برازش (GFI)، شاخص نیکویی برازش تعدیل شده (AGFI)، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)، شاخص برازندگی افزایشی (IFI)، و جذر میانگین مجزورات خطای تقریب (RMSEA) مورد استفاده قرار گرفتند. نمودار ۲، مدل پیشنهادی را پس از تحلیل نشان می‌دهد. ضرایب روی مسیرهای مدل استاندارد شده هستند.



نمودار ۲. مدل پیشنهادی رابطه بهزیستی معنوی با پایداری در اهداف بلندمدت با میانجی‌گری لذت یادگیری

نمودار ۳ نیز مدل اصلاح شده را بر اساس اصلاحات پیشنهادی نرم‌افزار ایموس و حذف مسیر غیرمعنادار بهزیستی معنوی به ثبات علایق نشان می‌دهد.



نمودار ۳. مدل اصلاح شده رابطه بهزیستی معنوی با پایداری در اهداف بلندمدت با میانجی‌گری لذت یادگیری

مقادیر شاخص‌های برازندگی، برای مدل‌های پیشنهادی و اصلاح شده در جدول ۷ مشاهده می‌شود. مقادیر این شاخص‌ها نشان می‌دهد که در نهایت و پس از اعمال دو اصلاح، مقادیر شاخص‌های برازندگی بهبود یافته‌اند و اکثر شاخص‌های برازندگی در مدل اصلاح شده (بجز مقدار RMSEA) برازش مناسب مدل را تأیید می‌کنند.

جدول ۷. شاخص‌های برازندگی مدل‌های پیشنهادی و اصلاح شده

مدل	$\chi^2$	df	$\chi^2/df$	GFI	AGFI	IFI	CFI	RMSEA
مدل پیشنهادی	۵۸/۸۲	۱۲	۴/۹۰	۰/۹۰	۰/۷۶	۰/۸۹	۰/۸۹	۰/۱۶
مدل اصلاح شده	۳۴/۶۲	۱۲	۲/۸۹	۰/۹۴	۰/۸۵	۰/۹۵	۰/۹۵	۰/۱۱

همچنین، جدول ۸ روابط غیرمستقیم مدل پیشنهادی را نشان می‌دهد. مطابق مندرجات جدول ۸ سطح معناداری هر دو مسیر غیرمستقیم گزارش شده زیر ۰/۰۵ و در نتیجه هر دو مسیر معنادار می‌باشند.

جدول ۸. روابط غیرمستقیم متغیرهای پژوهش

سطح معناداری Significance level	کرن بالا Upper bound	کرن پایین Lower bound	روابط غیرمستقیم
۰/۰۰	۰/۳۳	۰/۱۴	رابطه بهزیستی معنوی با پایداری تلاش با میانجی‌گری لذت یادگیری
۰/۰۳	-۰/۰۴	-۰/۲۲	رابطه بهزیستی معنوی با ثبات علایق با میانجی‌گری لذت یادگیری

## بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش، به بررسی ارتباط ابعاد بهزیستی معنوی (ارتباط با خدا، ارتباط با خود، ارتباط با طبیعت و ارتباط با دیگران) با لذت یادگیری و پایستگی در اهداف بلندمدت (پایداری تلاش و ثبات علایق) پرداخته است. دو فرضیه کلی در این زمینه مطرح شد که حاکی از ارتباط مثبت و معنادار بین ابعاد بهزیستی معنوی با پایستگی و لذت یادگیری بود. همچنین، در این پژوهش مهم‌ترین پیش‌بین‌های لذت یادگیری، پایداری تلاش و ثبات علایق بودند و نقش میانجی‌گری لذت یادگیری در رابطه بهزیستی معنوی با پایداری تلاش و ثبات علایق بررسی شدند. نتایج تحلیل همبستگی پیرسون نشان داد که بهزیستی معنوی و ابعاد آن با لذت یادگیری، پایستگی کلی و پایداری تلاش رابطه مثبت و معنادار دارد، اما بین بهزیستی معنوی و هیچ یک از ابعاد آن با ثبات علایق رابطه معنادار وجود ندارد. به علاوه، بیشترین ضرایب همبستگی به رابطه ارتباط با خود و لذت یادگیری با پایداری تلاش تعلق دارند.

این پژوهش، نشان داده است که پایداری تلاش تحت تأثیر بهزیستی معنوی قرار می‌گیرد، اما ثبات علایق با بهزیستی معنوی رابطه‌ای ندارد. بهزیستی معنوی، در واقع حالتی از سلامتی است که بیانگر احساسات، رفتارها و شناخت‌های مثبت از ارتباط با خود، دیگران، طبیعت و موجودی برتر است (گومز و فیشر (Gomez & Fisher)، ۲۰۰۳)، ارتباط هماهنگ و یکپارچه بین افراد را فراهم می‌کند و با ویژگی‌های ثبات در زندگی، صلح، تناسب و هماهنگی، احساس ارتباط نزدیک با خویشان، خدا، جامعه و محیط مشخص می‌شود. وقتی بهزیستی معنوی به خطر بیفتد، فرد ممکن است دچار اختلالات روحی، مثل احساس تنهایی، افسردگی و از دست دادن معنای زندگی شود که خود می‌تواند سازگاری در زندگی، به‌ویژه حیات جاوید فرد را با مشکل مواجه کند. نتایج ۳۵۰ مطالعه نشان داده است که افراد دارای بهزیستی معنوی، شیوه زندگی سالم‌تری دارند، امیدوارترند، از ثبات روانی و رضایت بیشتری برخوردارند (کاروین و هیمل (Carven & Hirnle)، ۲۰۰۳). بهزیستی معنوی از طریق پنج کارکرد خود؛ یعنی قابلیت تعالی فیزیکی و مادی، توانایی تجربه سطوح بالایی از آگاهی، بررسی و پالایش تجربه‌های روزانه در ارتباط شخصی با احساس مذهبی و معنوی، به‌کارگیری منابع معنوی در حل مشکلات زندگی و انجام اعمال پرهیزکارانه (ایمونز، ۲۰۰۰)، به سازگاری مثبت با محیط کمک می‌کند. افرادی با بهزیستی

معنوی بالا، نسبت به مشکلات و چالش‌های فراروی اهداف زندگی خود و موانع و منابع محیطی آگاهی بیشتری دارند. همچنین، با تکیه بر منابع حمایتی معنوی از پایداری و پایداری و پایداری بیشتری برخوردار می‌شوند. معنویت، به دلیل ماهیت خود، انسان را متوجه متعالی اندیشیدن و نگرستن عمیق به ماورای مادیات و مسائل روزانه کرده، برای توجه به اهداف بلندتر و استقامت بیشتر آماده می‌سازد. به علاوه، افراد پایسته، افرادی هستند که پای خود را فراتر از محدودیت‌های خویش قرار می‌دهند (داکورت و همکاران، ۲۰۰۷). بهزیستی معنوی، امکان فراتر رفتن از مشکلات و محدودیت‌های شخصی و منابع محیطی را فراهم کرده و انسان را متکی به منبع قدرتمندی می‌سازد. مطابق تعریف داکورت و همکاران (۲۰۰۷)، پایداری تلاش به توانایی حفظ تلاش در مواجهه با سختی‌ها و ثبات علایق به حفظ علاقه شخصی به اهداف بلندمدت خود، نه به دلیل ترس از تغییرات، سازگاری با انتظارات دیگران، یا ناآگاهی از انتخاب‌های دیگر گفته می‌شود. همچنین، نتایج پیگیری همبستگی بین بهزیستی معنوی با این پژوهش نشان داد که ثبات علایق در سطح دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد از بهزیستی معنوی تأثیر نگرفته است، اما در سطح دکترا، بین بهزیستی معنوی و ابعاد آن با ثبات علایق رابطه مثبت و معناداری وجود داشت. افرادی که تا مقطع دکتری به تحصیل در زمینه مورد علاقه خود ادامه داده‌اند، دارای اهداف بلندمدت‌تری در آن زمینه بوده و این احتمال که پیگیری اهداف فرد تا این مقطع ناشی از علاقه و انگیزه درونی بوده باشد، بیشتر است. در واقع، این یافته را می‌توان این‌گونه تبیین کرد که به تدریج و با افزایش سن و همزمان با ارتقای مقطع تحصیلی و با در نظر گرفتن عوامل متعددی، از جمله تفاوت‌های نسلی و عوامل فرهنگی و اجتماعی جامعه امروز در مقطع دکتری بین دیدگاه معنوی افراد و علایق درونی آنها یکپارچگی ایجاد شده باشد. درحالی که ممکن است در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد افراد هنوز شناخت کاملی از علایق درونی خود بر مبنای آگاهی از خود و بر اساس تشخیص اهداف معنوی زندگی نداشته و اهداف بیرونی را دنبال کنند، در نتیجه از شاخه‌ای به شاخه دیگر رفته و یا تحت تأثیر محیط و ناآگاهی از گزینه‌های دیگر دست به انتخاب یک هدف زده باشند و با تغییر شرایط محیطی نسبت به هدف خود بی‌علاقه شوند.

نتایج تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام نیز نشان داد که مهم‌ترین پیش‌بین‌های لذت‌یادگیری، ارتباط با خود و ارتباط با طبیعت؛ برای پایداری تلاش، ارتباط با خود و ارتباط با دیگران و برای پایداری کلی، ارتباط با خود و ارتباط با خدا بودند. ماده‌های مقیاسی که در این پژوهش برای سنجش بهزیستی معنوی از آن استفاده شد، نشان می‌دهند که ارتباط با طبیعت، شامل علاقه به شگفتی و زیبایی طبیعت، تقدس قائل شدن برای طبیعت، احترام به طبیعت، شگفت‌انگیز دانستن طبیعت، لذت از طبیعت، تحسین طبیعت و احساس تعلق به طبیعت می‌باشد. تعریف عملیاتی ارتباط با طبیعت، نشان می‌دهد که تمام رفتارهای مؤید آن شامل نوعی احساس یگانگی، علاقه‌مندی، جذب و لذت بردن از طبیعت هستند. این توانایی در افراد به قلمروهای دیگری مثل محیط و مواد تحصیلی نیز تعمیم می‌یابد و آن

جذب و علاقه‌مندی به راز و رمز، زیبایی و شگفت‌انگیزی طبیعت خود را در لذت تحصیلی نیز نشان می‌دهد. به علاوه، در اینجا صحبت از توانایی مشترک تجربه احساس لذت در دو قلمرو مجزا است که می‌توانند در هر شخصی به گونه‌ای با هم اشتراک پیدا کنند. برای نمونه، عشق و علاقه‌مندی به طبیعت، می‌تواند خصوصیت افراد گشوده به تجربه باشد که همین خصوصیت، موجب می‌شود فرد برای یادگیری امور تازه علاقه‌مند شود. از سوی دیگر، ارتباط با دیگران با پایداری تلاش رابطه مثبت و معناداری نشان داده است. ارتباط با دیگران، شامل احترام به عقاید دیگران، کمک به دیگران، اهمیت و توجه به آسایش، مصلحت و خوشبختی دیگران، تواضع با مردم، کسب رضایت از انجام کارهای خوب برای دیگران، احساس مسئولیت در مقابل دیگران می‌باشد. انجام این امور، موجب بهبود روابط اجتماعی افراد و گسترش و کیفیت بخشیدن به قلمرو حمایت اجتماعی آنان می‌شود که در نتیجه، به فرد در رویارویی با چالش‌ها و موانع یاری می‌رساند. همچنین، در فرد احساس آرامش و رضایت خاطر و اطمینانی ایجاد می‌کند که با کاهش اضطراب و ترس در فرد، به طور غیرمستقیم بر حفظ تلاش در مواجهه با مشکلات اثر گذار است.

در این پژوهش، ارتباط با خدا نیز یکی از پیش‌بین‌های مؤثر بر پایستگی در اهداف بلندمدت (پایداری تلاش و ثبات علایق) است. مطابق ماده‌های مقیاس بهزیستی معنوی ارتباط با خدا؛ یعنی احساس حضور خدا، آرامش گرفتن با عبادت خدا، خدا را حلال مشکلات دانستن، امید به خدا، شکرگذاری خدا، اهمیت به رضایت خدا، باور به اینکه خداوند بهترین کارها را برای ما انجام می‌دهد. ارتباط مؤثر با خدا و احساس حضور خدا، مستلزم داشتن فضای درونی و شخصی آرام و آگاهی نسبت به دنیای درونی و بیرونی انسان است. این آگاهی از خود، به شناخت دقیق‌تر اهداف و علایق درونی کمک می‌کند. در نتیجه، افراد با انتخاب درست اهداف بر اساس علایق خود، از تعهد و ثبات بیشتری برخوردار می‌شوند. همچنین، در بین ابعاد بهزیستی معنوی، ارتباط با خود بیشترین واریانس تبیینی از لذت یادگیری، پایستگی کلی و پایداری تلاش را به اختصاص داده است. منظور از «ارتباط با خود»، داشتن اهداف روشن، خوش‌بینی به آینده، احساس هدفمندی، رضایت و لذت از زندگی، احساس خوش‌بختی، موفقیت و در حال رشد بودن می‌باشد. احساس هدفمندی و داشتن اهداف روشن منجر به تمرکز تلاش‌های فرد در جهت درست آن شده و در نتیجه، پایداری تلاش را در پی دارد. از سوی دیگر، به دنبال احساس کلی رضایت، موفقیت و لذت از زندگی، دیدگاه خوش‌بینانه و مثبتی نسبت به ابعاد مختلف زندگی ایجاد شده و فرد زندگی را معنادار و هدفمند می‌یابد. در نتیجه، آمادگی بیشتری نسبت به رشد و پیشرفت و یادگیری موضوعات جدید پیدا می‌کند و تجربه لذت یادگیری بیشتر را خواهد کرد.

نتایج مقایسه مقاطع تحصیلی سه‌گانه (کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری) از لحاظ رابطه بین بهزیستی معنوی با پایستگی در اهداف بلندمدت و لذت یادگیری، چندین یافته را نشان می‌دهد. برای مثال، لذت یادگیری و ارتباط با خدا، تنها در مقطع کارشناسی و نه در مقاطع تحصیلی بعدی معنادار بوده است. باید در تبیین این یافته گفت: انتخاب رشته تحصیلی در مقطع کارشناسی در مقایسه با مقاطع تحصیلی بعدی کمتر از شناخت تعامل

ویژگی‌های درون‌فردی و خصوصیات رشته تحصیلی و در نظر گرفتن آینده شغلی رشته ناشی می‌شود. در نتیجه، علی‌رغم عدم انگیزش درونی در این مقطع، ممکن است فرد دلایل ارزشی و معنوی برای تحصیل به‌عنوان امری کلی داشته باشد و با تکیه بر احساس معنوی ناشی از ارتباط با خدا، کنترل بیشتری بر پیامدهای یادگیری را ادراک کند و از امر یادگیری لذت بیشتری ببرد. یافته دیگر اینکه، تمام ابعاد بهزیستی معنوی با پایداری تلاش در مقطع کارشناسی ارشد رابطه معنادار داشتند، اما در دو مقطع دیگر تنها برخی از ابعاد بهزیستی معنوی رابطه معناداری با پایداری تلاش نشان داده است. علت این امر، این است که با ورود فرد به محیط تحصیلی، رشد معنوی فرد تداوم می‌یابد و به تدریج، بین ابعاد بهزیستی معنوی در افراد نوعی یکپارچگی پدید می‌آید. در نتیجه، تأثیر مشابهی را بر پایداری تلاش اعمال می‌کنند. برای مثال، در دوره کارشناسی، پایداری تلاش تنها از ارتباط با خود و با خدا منشأ می‌گیرد، اما در دوره کارشناسی ارشد ارتباط با دیگران و با طبیعت نیز به این تأثیر افزوده می‌شوند، شاید به این علت که در اثر گذر زمان، تجارب بیشتری برای فرد اتفاق افتاده است که رابطه فعالیت‌ها، اهداف و انتخاب‌های او را با محیط اجتماعی و فیزیکی بیرون از خودش مشخص‌تر ساخته است. نکته آخر اینکه بهزیستی معنوی و ابعاد آن، تنها در مقطع کارشناسی ارشد رابطه معناداری با پایداری تلاش در اهداف بلندمدت نشان می‌دهد. می‌توان گفت: نقش عوامل اساسی تری مثل بهزیستی معنوی، بر پایداری تلاش در اهداف بلندمدت در این مقطع مشخص می‌شود.

از سوی دیگر، یافته‌های حاصل از مدل‌یابی معادلات ساختاری و تحلیل روابط غیرمستقیم مدل پیشنهادی نشان داد که لذت یادگیری رابطه بهزیستی معنوی با پایداری تلاش و ثبات علایق را میانجی‌گری می‌کند. از آنجاکه پایداری تلاش در اهداف بلندمدت و لذت به‌عنوان یک هیجان یادگیری به تازگی در ادبیات علمی روان‌شناسی مطرح شده‌اند، پیشینه پژوهشی مستقیمی برای تأیید این نتایج در بین پژوهش‌های دیگر یافت نشد. اما نتایج مشابهی به ارتباط بین بهزیستی معنوی با تاب‌آوری (صدیقی ارفعی و همکاران، ۱۳۹۳) و بهزیستی معنوی با خودکارآمدی (کریمی و ایمانی، ۲۰۱۴) وجود دارد. در زمینه ارتباط مثبتی که بین بهزیستی معنوی و لذت یادگیری مشاهده شد، باید گفت: بر اساس نظریه کنترل - ارزش هیجان‌های پیشرفت، لذت آن نوع هیجانی است که شخص در صورت ادراک کنترل بالا بر پیامد مورد انتظار و ارزشمندی فعالیت یادگیری تجربه می‌کند. در واقع، کنترل ذهنی شامل شناخت‌های مرتبط با کنترل مثل انتظارات خودکارآمدی، انتظارات مرتبط با پیشرفت و اسنادهای علی بروندها است. ارزش ذهنی نیز به ارزشمندی ادراک شده از اعمال گفته می‌شود. شخصی که بهزیستی معنوی دارد، به فعالیت یادگیری عمیقاً و با علاقه می‌نگرد و در جست‌وجوی علت و ارزش عملی است که با هدف یادگیری انجام می‌دهد. به علاوه، جنبه خودمدیریتی بهزیستی معنوی که در بُعد ارتباط با خود تجلی می‌یابد، با جنبه کنترل‌پذیری و نقش اراده در کسب پیامدهای مورد انتظار مثبت که لذت یادگیری را فراهم می‌آورد، ارتباط دارد. از سوی دیگر، پایداری تلاش و حفظ تلاش و علاقه و پایداری به منظور دستیابی به اهداف بلندمدت دارد. لذت یادگیری، با ارتقای روحیه فردی بر توانایی پایداری تلاش می‌افزاید و با فراهم آوردن یک انگیزه کمکی



و درونی برای یادگیری ثبات علایق را پدید می‌آورد؛ به این معنی که فرد اگر در موضوعی احساس لذت ناشی از یادگیری را تجربه کند، با احتمال بیشتری آن را به‌عنوان علاقه شخصی حفظ خواهد کرد.

این پژوهش، نشان داد که بهزیستی معنوی عامل مهمی در افزایش لذت یادگیری است؛ زیرا معنویت بر دو سازه تأثیرگذار بر لذت یادگیری یعنی کنترل و ارزشمندی فعالیت یادگیری تأثیر دارد. اهمیت کاربردی این مطلب، در اینجاست که یکی از راه‌های افزایش هیجان لذت در یادگیرندگان به منظور ارتقای بازده یادگیری آنها، مداخله در ابعاد چهارگانه بهزیستی معنوی است. مطابق تعریفی که ما برای بهزیستی معنوی به کار بردیم، با افزایش هر یک از ابعاد بهزیستی معنوی می‌توان لذت یادگیری را تحت تأثیر قرار داد. از سوی دیگر، بهزیستی معنوی و لذت یادگیری با پایداری در اهداف بلندمدت نیز رابطه دارند. به‌طوری‌که هرچه فرد از بهزیستی معنوی و لذت یادگیری بالاتری برخوردار باشد، احتمال بیشتری وجود دارد که به مدت طولانی‌تری برای دستیابی به اهداف خود پایداری کند، روی علاقه خاصی ثابت قدم باشد و به راحتی دستخوش تغییرات محیطی قرار نگیرد. نتایج تحلیل رگرسیون نیز به انتخاب بهترین و مؤثرترین مداخله بر مبنای ابعاد بهزیستی معنوی منجر می‌شود. همچنین، تفاوت این روابط در مقاطع مختلف تحصیلی بیانگر این است که خصوصیت پایداری و ابعاد آن، در هر مقطعی پیش‌بین‌های متفاوتی دارد و در این مورد، باید پژوهش‌های بیشتری صورت گیرد.

علی‌رغم نتایجی که به دست آمد، به دلیل ماهیت روش همبستگی که با قاطعیت به علیت دست نمی‌یابد، نمی‌توان به صراحت از بهزیستی معنوی، به‌عنوان منشأ جزئی لذت یادگیری و پایداری در اهداف بلندمدت نام برد، پژوهش‌هایی که به روش‌های آزمایشی و طولی صورت می‌گیرد، تبیین‌های علی را دقیق‌تر می‌کند. به علاوه، برای تعمیم‌پذیری این نتایج، لازم است پژوهش در نمونه‌های دیگر برای مثال، در جمعیت پسران، غیردانشجویان و گروه‌های سنی دیگر انجام شود.

## منابع

- برجلی، احمد و همکاران، ۱۳۹۱، «رابطه بهزیستی معنوی، رضایت از زندگی و پیشرفت تحصیلی در دانشجویان دختر و پسر»، *روان‌شناسی تربیتی*، سال سوم، ش ۳، ص ۱۰۱-۱۰۰.
- دهشیری، غلامرضا و همکاران، ۱۳۹۲، «ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه بهزیستی معنوی در میان دانشجویان»، *مطالعات روان‌شناختی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهراء*، سال نهم، ش ۴، ص ۷۳-۹۸.
- صدیقی‌ارفعی، فریبرز و همکاران، ۱۳۹۳، «پیش‌بینی‌پذیری میزان تاب‌آوری بر اساس هوش معنوی در دانشجویان و دین‌پژوهان»، *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، سال چهارم، ش ۳، ص ۳۷۳-۳۹۰.
- کدیور، پروین و همکاران، ۱۳۸۸، «رواسازی پرسش‌نامه هیجان‌های تحصیلی پکران»، *نوآوری‌های آموزشی*، سال هشتم، ش ۳۲، ص ۷-۳۸.
- نادی، محمدعلی و ایلناز سجادیان، ۱۳۹۰، «تحلیل روابط بین معنای معنوی با بهزیستی معنوی، شادی ذهنی، رضایت از زندگی، شکوفایی روان‌شناختی، امید به آینده و هدفمندی در زندگی دانشجویان»، *طلوع بهداشت*، سال دهم، ش ۳ و ۴، ص ۵۴-۶۸.
- Aram, J. Y., 2009, *The contribution of emotional and spiritual intelligences to effective business leadership [dissertation]*, Institute of Transpersonal psychology.
- Balboni, T, et al, 2007, Religiousness and spiritual support among advanced cancer patients and associations with end-of-life treatment preferences and quality of life, *Journal of Clinical Oncology*, v. 25(5), p. 555-560.
- Cox, C. M., 1926, Genetic studies of genius: Vol. 2. *The early mental traits of three hundred geniuses*, Stanford, CA: Stanford University Press.
- Dettmers, S, et al, 2011, Students' emotions during homework in mathematics: Testing a theoretical model of antecedents and achievement outcomes, *Contemporary Educational Psychology*, v. 36, p. 25-35.
- Duckworth, A. L, et al, 2007, Grit: Perseverance and passion for long-term goals, *Journal of Personality and Social Psychology*, v. 9, p. 1087-1101.
- Emmons, R. A., 2000, Is spirituality an intelligence? Motivation, cognition, & the psychology of ultimate concern, *International Journal for the Psychology of Religion*, v. 10(1), p. 3-26.
- Goetz, T, et al, 2007, The control-value theory of achievement emotions: An integrative approach to emotions in education, *Emotion in Education*, v. 18 (4), p. 13-36.
- Karami, A, & Imani, M., 2014, The Relation between Spiritual Intelligence and Self-Efficacy in High School Teachers of District 18, Tehran, Iran, *Martinia*, v. 5 (2), p. 100-106.
- Lou, V. W. Q., 2015, Spiritual Well-Being of Chinese Older Adults, *Springer Briefs in Well-Being and Quality of Life Research*, v. 8(92), p. 13-25.
- Mueller, P, et al, 2001, Religious involvement, spirituality, and medicine: implications for clinical practice, *Mayo Clinic Proceedings*, v. 76(12), p. 1225-1235.
- Omidvari, S., 2009, Spiritual health; concepts and challenges, QuranicInterdiscip Study, *Journal of Iranian Student's Quranic Organiz*, v. 1(1), p. 5-17.
- Pekrun, R, et al, 2006, *Control-value theory of academic emotions: How classroom and individual factors shape students' affect*, Paper presented at the annual meeting of the American Educational Research Association, San Francisco, California.
- Pekrun, R, et al, 2002, Academic emotions in students' self-regulated learning and achievement: A program of qualitative and quantitative research, *Educational Psychologist*, v. 37(2), p. 91-105.
- Vahedi, S, & Nazari, M. A., 2011, The relationship between self-alienation, spiritual well-being, economic situation and satisfaction of life: A structural equation modeling approach, *Iranian Journal of Psychiatry and Behavioral Sciences*, v. 5(1), p. 64-73.
- Gomez, R, & Fisher, J. W., 2003, Domains of spiritual well-being and development and validation of the spiritual well-being Questionnaire, *Personality and Individual Differences*, v. 35, p. 1975-1997.
- Carven, R. F, & Hirlle, C. J., 2003, *Fundamental of nursing: human health and function*, 4th ed, Philadelphia: Lippincott Williams and Wilkins. 1392.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## Investigating the Relationship of Spiritual Well-Being with Persistence in Long-Term Goals and Learning Pleasure

Simin Zaghbiqannad / PhD in Educational Psychology, Shahid Chamran University of Ahwaz

siminghannad1366@gmail.com

✉ Siros Aliopour / Associate Professor of Educational Psychology, Shahid Chamran University of Ahwaz

Received: 2016/03/17 - Accepted: 2016/08/28

sirousaliopour1334@gmail.com

### Abstract

The purpose of this study was to investigate the relationship of spiritual well-being and persistence in long-term goals (stability of interest and endurance in effort) and learning pleasure in female students. To this end, 146 dormitory students of Shahid Chamran University of Ahwaz were selected by stratified random sampling. Then, they completed the spiritual well-being questionnaire, the subscale of learning pleasure, Pekran's scale of progress emotions and the persistence scale. The collected data were analyzed using stepwise regression and structural equation modeling. The results of data analysis showed that among the aspects of spiritual well-being, relationship with nature and relationship with oneself were the most important predictors of learning pleasure, and the relationship with oneself and with others predicted persistence in effort. Also, learning pleasure was the mediating variable in the relationship between spiritual well-being and persistence in long-term goals. Therefore, one of the effects of spiritual well-being is persistence in trying to achieve long-term goals and the experience of excitement and pleasure during learning activities, and this highlights the importance of spiritual well-being in the university students' academic and non-academic life.

**Keywords:** Spiritual well-being, Persistence in long-term goals, Learning pleasure.

## **Role of Spiritual Health and Attachment to God in predicting the quality of life in Divorced women**

✉ **Reza Ilbeigy Ghalenei** / Ph.D student in General Psychology, Department of Psychology, School of Educational Sciences and Psychology, Mohaghegh Ardebili University, Ardebil, Iran

reza.ilbeigy@gmail.com

**Leila Elahi Majd** / MA in Positive Psychology, Islamic Azad University, Na'in

lelahemajd@gmail.com

**Maryam Rostami** / MA in Clinical Psychology, Department of Psychology, School of Education Sciences and Psychology, Mohaghegh Ardebili University, Ardebil, Iran

m.maryamrostami@yahoo.com

**Received:** 2016/06/20 - **Accepted:** 2016/12/15

### **Abstract**

The purpose of this present research is to study Spiritual Health and Attachment to God in predicting the quality of life in Divorced women. This is a descriptive research and the research design is correlation. The statistical population included all Divorced women referring to Welfare centers at Torbat-e-Heydarieh city in 2014. The available sampling method is used here. Therefore, 100 Divorced women referring to centers were selected and filled out the research questionnaires. The Quality of Life questionnaire, Spiritual Health scale and Attachment to God questionnaire were used to collect the data. The data was analyzed by Pearson's correlation index and multivariable regression analysis. The results showed that a correlation have of Religious spiritual health ( $r = 0/392$ ), Although spiritual health ( $r = 0/264$ ), Secure attachment ( $r = 0/415$ ), avoidant attachment ( $r = -0/165$ ) ambivalent attachment ( $r = -0/196$ ) with the quality of life in Divorced women. Also, the results showed that 25% of quality of life variance is elaborated using Spiritual Health and Attachment to God. It can be concluded that Spiritual Health and Attachment to God play a major role in quality of life in Divorced women based on these findings.

**Keywords:** Spiritual Health, Attachment to God, Quality of life, Divorced women.

## The Effectiveness of Religious- Spiritual Group Therapy on Reducing the Stress of Mothers of Mentally Retarded Children

✉ **Arezou Javadikoma** / MA in Counseling, Al-zahra University javadi.arezou@yahoo.com

**Hamid Rezaeian** / Assistant Professor, Department of Psychology and Counseling, Al-Zahra University  
rezaeian19237@gmail.com

**Mahsima Pourshahriari** / Associate Professor of Psychology and Counseling , Al-zahra University

**Received:** 2016/03/02 - **Accepted:** 2016/08/29 spourshahriari@gmail.com

### Abstract

The purpose of this study was to determine the effectiveness of group spiritual-religious therapy on reducing the stress of mothers of mentally retarded children. The statistical population of the study included the mothers of mentally retarded children in boys' exceptional schools in Tehran. Two schools were selected using two-stage cluster sampling. After completing Kuh and colleagues' stress response scale, 24 subjects who scored above the cut scores were selected as the sample and randomly divided into two experimental and control groups. The experimental group received eight 120- minute sessions of spiritual -religious therapy, but the control group received no intervention. The results of the data analysis in the posttest and in the follow up test two months after the post-test showed that group spiritual -religious therapy was effective in reducing stress, tension, aggression and depression in the mothers of mentally retarded children in the experimental group.

**Keywords:** Spiritual -religious group therapy, Stress, mothers of mentally Retarded children.

## **The Validity and Reliability of the Initial Scale of Hazm (Prudence); Based on Islamic sources**

✉ **Navid Khakbazan** / PhD Student of Psychology, Imam Khomeini Institute of Education and Research  
khakbazan90@yahoo.com  
**Hamid Rafi'I Honar** / Assistant Professor at the Islamic Studies and Culture Institute  
**Received:** 2016/09/06 - **Accepted:** 2017/02/09  
hamidrafi2@gmail.com

### **Abstract**

Based on the Islamic sources and using descriptive method and content analysis, this research was conducted with the aim of validating Hazm (prudence) scale. To this end, relevant and reliable Islamic sources were identified, studied, categorized, and conceptualized. After the construction and validation process, the 95-item questionnaire was distributed among 30 university students, seminary students and ordinary people in Qom, who were selected using simple random sampling method. To determine the content validity, the opinions of 8 psychologists - Islamologists were used using content validity index (CVVI and CVR) and Kendall's matching coefficient. To determine face validity, the views of five experts in psychology and Islamic sciences were used. In assessing the reliability of the scale, the Cronbach's alpha coefficient was 0.801 and 0.7868 in the test and re-test stages, respectively. Based on Spearman Brown's split-half coefficient, the internal consistency of the test and re-test was 0.891 and 0.8858, respectively, and based on the Gottman's split-half coefficient, it was 891/0 and 852/0 respectively. The correlation between the two halves of the scale is 0.818 and 0.751, which indicates the strong reliability of the questionnaire.

**Keywords:** Hazm, Prudence, Islamic sources, Religious scale, Face validity and reliability.

## **The Effectiveness of Prayer Therapy in Reducing the Ineffective Beliefs of Adolescents with Academic Problems**

✉ **Roohollah Karami Baldaji** / PhD Student of Counseling, Hormozgan University

karamiboldaji@gmail.com

**Musa Javdan** / Assistant Professor, Department of Sociology, Hormozgan University

**Majedeh Sabetzadeh** / MA in Family Counseling, Hormozgan University

**Received:** 2016/05/22 - **Accepted:** 2016/11/13

### **Abstract**

The purpose of this study was to investigate the effectiveness of prayer therapy on decreasing the ineffective beliefs of adolescents in Qeshm. To this end, 32 adolescents from Qeshm who had a poor educational achievement and ineffective beliefs were randomly selected and assigned to two experimental and control groups. Concepts and stages of prayer therapy was performed during 8 weekly meetings in Qeshm. Jones's Irrational Beliefs Test (IBT) was completed in the two stages of pre-test and post-test. The results of covariance analysis showed that compared to the control group, the mean score of irrational thoughts decreased significantly in the experimental group in the post-test ( $P < 0.001$ ). Also, the results of covariance analysis indicated that compared to the control group, the mean scores of the subscales of irrational beliefs, expectation of acceptance by others, self-blame, emotional irresponsibility, anxiety and worry, problem avoidance, dependence, failure in change, and perfectionism in the experimental group decreased significantly in the post-test.

**Keywords:** Prayer therapy, Irrational beliefs, Adolescents.



## The Effect of Teaching Religious Doctrines (Based on Makarem Al-Akhlaq Prayer) on University Students' Moral Intelligence

✉ **Seyed Ali Mar'ashi** / Assistant Professor of Clinical Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz  
sayedalimarashi@scu.ac.ir  
**Fariba Naghitorabi** / MA in Clinical Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz  
f.torabi90@yahoo.com

**Soodabeh Basaknejad** / Associate Professor of Clinical Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz  
**Kiyumars Bashlideh** / Associate Professor of Industrial-Organizational Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz

**Received:** 2016/05/04 - **Accepted:** 2016/09/26

### Abstract

This study was carried out to investigate the effect of teaching religious doctrines (based on Makarem Al-Akhlaq Prayer) on the moral intelligence of students in Shahid Chamran University of Ahvaz. The statistical population consisted of all the students of Shahid Chamran University of Ahvaz who were selected through multistage random sampling from different faculties of Shahid Chamran University of Ahvaz. They were divided into two groups of 20 participants in control and experimental groups. However, after the reduction in the number of the subjects (due to class interference), the test was finally administered to 15 subjects in the experimental group and 19 subjects in the control group. The instrument used was Lennick and Kiel's moral competence questionnaire. The experimental group received 10 sessions of teaching religious doctrines based on Makarem Al-Akhlaq Prayer. The results of the study were analyzed through ANOVA on the difference between post-test and pretest scores at the significance level of  $p < 0.05$ . The results showed that teaching religious doctrines based on Makarem Al-Akhlaq Prayer resulted in a significant increase in the components of moral intelligence in the experimental group, but there was no significant difference between the two groups in the truthfulness component.

**Keywords:** Religious doctrines, Makarem Al-Akhlaq Prayer, Sahifeh Sajjadiyeh, Moral intelligence, Truthfulness component.

# Abstracts

## Alternative Beliefs in Contrast with Negative Schemas in Islamic Parenting Style

✉ **Majid Hemmati** / PhD student of Psychology, Imam Khomeini Institute of Education and Research  
mava.hemmat@gmail.com

**Massoud Janbozorgi** / Professor of Clinical Psychology, Hawza and University Research Center

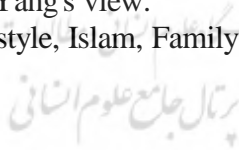
**Received:** 2018/07/27 - **Accepted:** 2019/02/05

janbo@rihu.ac.ir

### Abstract

Using the descriptive- analytical approach, this research seeks to elucidate and explain the alternative beliefs in contrast with negative schemas in Islamic parenting style. In this research, the researcher examined the maladaptive schemas and the factors shaping them in childhood from Yang's perspective, and expressed the viewpoint of Islam in this regard. Findings of the research indicate that we witness important points in the words and life of Ahlulbeit about the five scheme domains, although the boundaries of these domains are in some cases different from Yang's view.

**Keywords:** Child, Parenting style, Islam, Family, Scheme.



# Table of Contents

**Alternative Beliefs in Contrast with Negative Schemas in Islamic Parenting Style** / *Majid Hemmati / Massoud Janbozorgi*..... 7

**The Effect of Teaching Religious Doctrines (Based on Makarem Al-Akhlaq Prayer) on University Students' Moral Intelligence** / *Seyed Ali Mar'ashi / Fariba Naghitorabi / Soodabeh Basaknejad / Kiyumars Bashlideh*..... 23

**The Effectiveness of Prayer Therapy in Reducing the Ineffective Beliefs of Adolescents with Academic Problems** / *Roohollah Karami Baldaji / Musa Javdan / Majedeh Sabetzadeh*..... 37

**The Validity and Reliability of the Initial Scale of Hazm (Prudence); Based on Islamic sources** / *Navid Khakbazan / Hamid Rafi'I Honar* ..... 51

**The Effectiveness of Religious- Spiritual Group Therapy on Reducing the Stress of Mothers of Mentally Retarded Children** / *Arezou Javadikoma / Hamid Rezaeian / Mahsima Pourshahriari* ..... 67

**Role of Spiritual Health and Attachment to God in predicting the quality of life in Divorced women** / *Reza Ilbeigy Ghalenei / Leila Elahi Majd / Maryam Rostami*..... 85

**Investigating the Relationship of Spiritual Well-Being with Persistence in Long-Term Goals and Learning Pleasure** / *Simin Zaghbiqannad / Siroos Aliopour* ..... 97

**Concessionary:** *Imam Khomeini Educational and Research Institute (IKI)*

**Manager:** *Mohammad Naser Saqaie Bi-Ria*

**Editor in chief:** *Mohammad Reza Ahmadi*

**Executive manager:** *Sajad Solgi*

**Editorial Board:**

- ☐ **Hujjat-ul Islam Dr. Mohammad Reza Ahmadi:** *Assistant Professor, IKI*
- ☐ **Hujjat-ul Islam Ali Reza Arafi:** *Associate Professor, Research Institute of Hawza Wa Danishgah*
- ☐ **Dr. Qulam Ali Afruz:** *Professor, Tehran University*
- ☐ **Dr. Muhammad Karim Khoda panahi:** *Professor, Beheshti University*
- ☐ **Hujjat-ul Islam Dr. M. J. Zarean:** *Assistant Professor, Mustafa International University*
- ☐ **Hujjat-ul Islam Dr. N.Saghaye Biria:** *Assistant Professor, IKI*
- ☐ **Hujjat-ul Islam Dr. Abas Ali Shameli:** *Assistant Professor, Mustafa International University*
- ☐ **Hujjat-ul Islam Seyyid Muhammad Qaravi:** *Assistant Professor, Research Institute of Hawza Wa Danishgah*
- ☐ **Dr. Ali Fathi Ashtiani:** *Professor, Baqiat Allah Medical University*

---

**Address:**

IKI

Jomhori Eslami Blvd  
Amin Blvd., Qum, Iran

**PO Box:** 37185-186

**Tel:** +982532113480

**Fax:** +982532934483

<http://nashriyat.ir/SendArticle>

[www.iki.ac.ir](http://www.iki.ac.ir) & [www.nashriyat.ir](http://www.nashriyat.ir)

---